

منوچهر محمدی و اوج مظلومیت ایشان

هنگامی که نفوذ، محبوبیت و قدرت کاریزماتیکی منوچهر محمدی را هر روز افزون تر در بین دانشجویان مشاهده می نمودند راهی جز آن نیافتند که از هر طریق ممکن از ناحیه عوامل خود، تمام تلاش و سعی شان را در تضعیف و کاسته شدن محبوبیت ایشان بکار ببندند بطوریکه بعد از مدتی در مسایل سیاسی ونیز در مسایل درسی مربوط به ایشان، پیوسته، مانع تراشی نموده و در نهایت راهی جز حذف ایشان نیافتند.

بنابراین برای طرد شخصیت ایشان در صحنه سیاسی و دانشگاهی، جسارت را به حدی رساندند که 2 ترم مرخصی پزشکی ایشان را که از قبل در کمیسیون تخصصی در دست بررسی و بارها شفاها مورد تأیید قرار گرفته بود به هنگام اوج فعالیت های سیاسی- دانشجویی ایشان به جریان می اندازند و بلافاصله با مرخصی پزشکی ایشان مخالف می نمایند و بدین ترتیب 36 واحد درسی ایشان را صفر منظور می کنند. در سال 77 برگه تقاضای حذف اضطراری دروس 4 و 3 واحدی از پرونده آموزشی ایشان مفقود و نمرات صفر را به جای آن جایگزین می نمایند و مشروطی این ترم را هم به ایشان ابلاغ می کنند و از این طریق زمینه اخراج ایشان را از دانشگاه فراهم می نمایند و نا عادلانه تر آنکه به دنبال این قضیه از ایشان خواستند در صورتیکه متعهد شوند از فعالیت های سیاسی دوری جویند می توانند به تحصیل خود ادامه بدهند که ایشان، هیچگاه، این پیشنهاد شرم آور را نپذیرفته و آنها هم در نهایت اخراج موقت ایشان را در دستور کار خود قرار می دهند و در کامپیوتر آموزشی دانشکده طبق اطلاعات موثق که در کامپیوتر آموزش مشاهده نمودیم ایشان از سال 1377 تا قبل از واقعه 18 تیر در سال 78 در حکم اخراج موقت بودند نه اخراج دائمی.

اما متأسفانه آقای دکتر داود سلیمانی معاون وقت دانشگاه تهران و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی با سوء استفاده از دستگیری ایشان، جسارت را به حدی رساندند که اخراج دائمی ایشان را در رسانه ها و مطبوعات تبلیغ نمودند بدون اینکه علت واقعی اخراجی ایشان را ذکر نمایند. قابل ذکر است که آقای محمدی بارها طومارهایی را در اعتراض یه روند فعالیت های سیاسی و صنفی دانشگاه با جمع آوری امضاهای مختلف خدمت آقای سلیمانی- معاون وقت امور دانشجویی- ارائه داده بودند. بر کسی پوشیده نیست که این خصومت و عداوت نسبت

به منوچهر محمدي ، صرفاً فقط به خاطرشفافيت اندیشه ایشان مبني بر زیر سوال بردن اعمال ناصواب موجود و نیز نگرانی از مطرح شدن بیش از حدوحصر ایشان در بین دانشجویان و اهالی علم و ادب بوده و بس ، به همین خاطر ایشان بعد از دستگیری نه تنها از کمترین حمایت برخوردار نبودند بلکه افراد معلوم الحالی در تسریع

اعدام ایشان هم کوشیدند بطوریکه بعد از سالها سپری شدن از زندان منوچهر محمدي ، اخیراً جناب آقای محدث مسئول امور دانشجویی در وزارت آموزشی عالی، در تکرار جسارت بی انتهای خود در مصاحبه با روزنامه ایران ، منوچهر محمدي را دانشجوی نمی داند و چند مدتی قبل نیز آقای موسوی خوئینی نماینده محترم و محبوب در بین دانشجویان - که اینجانب عطااله مرادی و شخص منوچهر محمدي نیز برای ایشان احترام خاصی قائل هستیم - با اطلاعات مغرضانه و ناصوابی که به ایشان ارائه شد در مصاحبه ای با روزنامه ها، چنین بیان داشتند: که منوچهر محمدي در سال 74 از دانشگاه اخراج شدند که انتظار دارم با توجه به عدم صحت و درستی آن ، به زودی شاهد تصحیح گفتار خود باشند تا این همه از مظلومیت آقای محمدي بعلت سکونت ناشی از دموکراتیک بودن و اعتقاد راسخ به عقائد مخالف سوء استفاده نشده و بیش از این در ترور شخصیت ایشان گام برندارند.

ناگفته نماند آقای منوچهر محمدي قبل از ورود به دانشگاه در سال 72 در عین حال که معلم بودند با کوشش و پشتکار فراوانی که به خرج دادند رتبه 149 کنکور سراسری در گروه ریاضی فیزیک را کسب می کنند بطوریکه در کلیه رشته های فنی و مهندسی در معتبرترین دانشگاههای ایران نمره قبولی کسب می کنند اما ایشان رشته اقتصاد نظری از زیرگروه ریاضی فیزیک دانشگاه تهران را بر می گزینند، و از طرفی در سال 72 همزمان باقبولی در دانشگاه دولتی در رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی هم حائز قبولی می گردند اما از آنجا که مطابق قانون باید در یک رشته انتخابی ادامه تحصیل داد، ایشان رشته اقتصاد نظری دانشگاه تهران را بر می گزینند چرا که به سهم خود در فردای سازندگی ایران بعنوان یک اقتصاد دان نقشی در رفع مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ 8 ساله ایران بردارند اما افسوس که دستگاه قضائی نه تنها با زندانی کردن چنین شخصیتی ارضاء واقناع نمی شود بلکه حتی با اخراج ایشان از دانشگاه و هم چنین به دنبال آن صدور حکم اخراج آقای محمدي از معلمی هم رضایت نمی دهند تا آنجا که اندک حقوق ماهیانه ایشان هم برای همیشه قطع می گردد.

قابل یادآوری است که آقای محمدی اکنون بعد از اتمام مرخصی 5 روزه به زندان بازگشته است در حالی که از ناحیه دندان و لثه بسیار رنج می برد شاید در جراید و رسانه ها خونریزی لثه ایشان را می شنیدم و می خواندم ولی اکنون به عینه دیده ام که چگونه صبحگاه هنگامی که از خواب بیدار می شوند از ناحیه لثه دچار خونریزی شده و گاهاً هنگام صبحت کردن از ناحیه دهان خون جاری می شود. اما بردستگاه قضایی فرض است که با مرخصی استعلاجی ایشان موافقت نموده تا شاید گامی در بهبودی وضعیت جسمی ایشان بر داشته شود.

اینجانب به عنوان فردی که از سالهای 72/ 73 در محیط دانشگاهی و هم چنین در محیطهای دیگر به عنوان دانشجویی که همواره در طول جریانات سیاسی دانشجویی تا کنون در کنار ایشان بوده و در حادثه 18 تیر 78 کوی دانشگاه تهران که به اتفاق هم دستگیر شدیم و مدت های مدیدی نیز در زندان توحید بودم «شایان ذکر است که گفته های فوق نه حمل بر خودستایی و نخوت تعبیر شود بلکه برای تشحیذ افکار مخاطبان و خوانندگان می باشد» از آنجا که ارتباط تنگاتنگی با هم داشتیم و از وضعیت تحصیلی ایشان در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران کاملاً مطلع و بر نحوه برخورد آموزش دانشکده با ایشان آگاه هستم، این یادداشت را نگاشتم که صرفاً برای تنویر افکار عمومی جامعه و روشن شدن اذهان دانش پژوهان، اساتید و دانشجویان گرانقدر باشد تا شاید شائبه های عدم دانشجوی بودن آقای منوچهر محمدی از افکار زدوده شده و واقعیت های پنهان و مکتوم، چشم حقیقت به روی خود بگشایند و آنان که ناآگاهند یافته باشند آگاهی را.

بر نمایندگان مجلس نیز فرض است که آگاهانه و عالمانه در زمینه های خاص موضع گیری نموده تا سبب تشویش اذهان عمومی و مکتوم ماندن واقعیت ها در سطح جامعه دانشگاهی نشوند.

این تنها شمه ای از ناگفته های سرگذشت آقای منوچهر محمدی است که اینجانب به عنوان یک دانشجویی که همواره در طول جریانات دانشگاهی همراه ایشان بوده، بصورت صریح، شفاف و با آگاهی کامل مطالب فوق را به رشته تحریر درآوردم و شخصاً نیز کلیه مسئولیت، صحت و سقم آن را بر عهده می گیرم.

در پایان قابل ذکر است که مطالب فوق را از این جهت و بر این منطبق نگاشتم که هنگامی در سطح جامعه بر له یا علیه شخصی سخنی گفته و یا مقاله و یادداشتی نوشته می شود باید برای شخص مقابل و یا فرد مورد مخاطب قابلیت حق دفاع از خود و

سخن گفتن را قائل شد. به نظر شما آیا غیر از این باید باشد؟

هم چنین از خوانندگان و مخاطبان گرامی خواستارم در صورت هر گونه نکته تاریک و ابهام آمیزی که در یادداشت فوق وجود داشته باشد آماده هر گونه پاسخگویی و درصدد روشن کردن نقاط مبهم آن هستم.

با
احترام
عطااله مرادی
دانشجوی حقوق تهران
ataalah_moradi@yahoo.com